

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: کبیر توخی

۲۹ دسمبر ۲۰۱۲

«این دنیای شماست که فرو می ریزد!»

باز هم زاپاتیست ها مکزیک را در بهت فرو بردند. ده ها هزار زاپاتیست، چند شهر چپاپاس را این بار در سکوت و بدون سلاح، به طور نمادین به اشغال خود در آوردند. همان شهرهایی که در اول جنوری ۱۹۹۴ تصرف کرده بودند.



عکس های بیشتر

آنها شایعات بیشماری را به تمسخر گرفتند که طی بیش از پنج سال سکوت ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی، در باره شان به راه انداخته شده بود. حضور مجدد ارتش زاپاتیستی در صحنه سیاست، درست در روزی رخ می دهد که رسانه های عمومی از مدت ها پیش، روز پایان تقویم قوم مایا را به عنوان روز پایان جهان اعلام کرده، نمایش مسخره ترس از مرگ را به بازار دیگری برای کالاهایشان بدل کرده بودند.

این عرض اندام نشان دهنده سازماندهی پر استحکامی است که در عین حال بدیل مستدلی علیه تئوری پایان جهان، و ابدیت سرمایه داری ست.

توجه کنید، زاپاتیست ها اعلامیه می دهند، در یک سطر. این شوک است، تلنگر است، ناقوس است:

خطاب به خواننده:

شنیدید؟

این صدای جهان آنهاست که فرو میریزد.

صدای رستاخیز جهان ماست.

دیروز سراسر شب بود.

و فردا روز، حتی شب روز خواهد بود.

دمکراسی!

آزادی!

عدالت!

از کوهستان های جنوب شرقی مکزیک

کمیته مخفی انقلابی بومیان - فرماندهی کل ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی

معاون فرمانده شورشی مارکوس

مکزیک، دسمبر ۲۰۱۲

موسیقی همراه این اطلاعیه را بشنوید:

<http://www.youtube.com/watch?v=BgPuV8N3BJs>

مانند سیگار. شعر و آهنگ اثر ماریا ترزا والش، اجراء از مرسدس سوسا- ویکتور

ترجمه ترانه:

مانند سیگار

بارها مرا کشتند

بارها گفتند او مرد،

ولی بی شک هنوز اینجا هستم و اینک دوباره زنده می شوم .

سپاسگزارم از سیه روزی

و آن دستی که خنجر داشت،

چرا که مرا چنان بد کشت،

که من هنوز آواز می خوانم.

آواز خوان برای خورشید

و برای سیگار

پس از یک سال مدفون زیر خاک

همچون جان به در برده ای

که به میدان جنگ باز می گردد.

بارها پاکسازی ام کردند،

بارها ناپدید شدم،

به خاکسپاری خویش رفتم،

تنها و گریان.

گرهی زدم به دستمالم،

ولی فراموشم شد

که فقط همان یک بار نبود

و همچنان آواز خواندم.

همچنان آواز خوان برای خورشید

و برای سیگار

پس از یک سال مدفون زیر خاک

همچون جان به در برده ای

که به میدان جنگ باز می گردد.

بارها ترا کشتند

بارها دوباره زنده شدی

باز هم شبان رنج در پیش خواهی داشت

نومید.

و وقت غرق شدن

و وقت تاریکی

باز نجات خواهی یافت

تا همچنان بخوانی.

آواز خوان برای خورشید

و برای سیگار

پس از یک سال مدفون زیر خاک

همچون جان به در برده ای

که به میدان جنگ باز می گردد.

ترجمه بهرام قدیمی

نویسنده - سه شنبه ، ۵ جدی ۱۳۹۱ ؛ ۲۵ دسامبر ۲۰۱۲